



# Conceptualizing Health Research Governance

Jahanara Mamikhani<sup>1,2</sup> MD, PhD, Seyed Abbas Motevalian<sup>3</sup> MD, PhD, Hassan Haghpars-Bidgoli<sup>4</sup> PhD

<sup>1</sup> Department of Health Economics, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr, Iran

<sup>2</sup> Iranian Health Management Scientific Association, Tehran, Iran

<sup>3</sup> Department of Epidemiology, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

<sup>4</sup> Institute for Global Health, University College London, London, UK

\*Correspondence to: Seyed Abbas Motevalian, Email: motevalian.a@iums.ac.ir

Received: October 23, 2024

Revised: November 9, 2024

Accepted: December 4, 2024

Online Published: December 17, 2024

## Abstract

Research governance is a critical framework that ensures the integrity, quality, and ethical conduct of scientific research in various disciplines and includes a set of principles, guidelines, and working practices designed to maintain high standards throughout the research process, from conceptualization to publication of results and from ethical oversight, especially in human or animal clinical studies, to quality assurance and accountability, i.e., establishing clear lines of responsibility between researchers, institutions, and funding bodies, and compliance, i.e., ensuring adherence to legal and regulatory requirements, including data protection and intellectual property rights, as well as transparency in communications, information flow, findings, and conflicts of interest. This study conducted a narrative review of 80 articles related to research governance. For this purpose, and for a complete and comprehensive search of articles, the Google Scholar and Scopus databases were used. This review can familiarize policymakers and senior and middle managers in the field of health research with the term governance and its types, and explain the different models used in this field.

**Keywords:** Governance, Health Research Governance, Health System, Research Governance Models, Researcher Independence

## Highlights:

1. Moving from government to governance means moving from “exercise of power over” to “delegation of power to” and moving from “top-down legislative approach” to “participatory policymaking”.
2. The freedom to explore diverse hypotheses and methodologies enables researchers to conduct research in their own fields of expertise with their unique approaches and create change and evolution in societies.

## Citation:

Mamikhani J, Motevalian SA, Haghpars-Bidgoli H. Conceptualizing health research governance Iran J Health Insur. 2024;7(3):161-76.



## مفهوم سازی حکمرانی پژوهش در حوزه سلامت

جهان آرا می خانی<sup>۱،۲</sup>، MD، PhD، سیدعباس متولیان<sup>۳</sup>، MD، PhD، حسن حق پرست بیدگلی<sup>۴</sup>، PhD

<sup>۱</sup> گروه اقتصاد سلامت، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، ایران

<sup>۲</sup> انجمن علمی مدیریت سلامت ایران، تهران، ایران

<sup>۳</sup> گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

<sup>۴</sup> موسسه بهداشت جهانی، دانشگاه کالج لندن، لندن، انگلستان

\* نویسنده مسئول: سیدعباس متولیان، پست الکترونیک: motevalian.a@iums.ac.ir

انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۴

تصحیح: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹

دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

### چکیده

حکمرانی پژوهش چارچوبی حیاتی است که یکپارچگی، کیفیت و انجام اخلاقی پژوهش های علمی در رشته های مختلف را تضمین می کند و شامل مجموعه ای از اصول، دستورالعمل ها و شیوه های کاری طراحی شده برای حفظ استانداردهای بالا در سراسر فرآیند پژوهش، از مفهوم سازی تا انتشار نتایج و از نظارت اخلاقی، به ویژه در مطالعات بالینی انسانی یا حیوانات تا تضمین کیفیت و پاسخگویی یعنی ایجاد خطوط مسئولیت روشن بین پژوهشگران، مؤسسات و نهادهای تأمین مالی و انطباق یعنی تضمین پایبندی به الزامات قانونی و مقرراتی، از جمله حفاظت از داده ها و حقوق مالکیت معنوی همچنین شفافیت در ارتباطات، گردش اطلاعات، یافته ها و تضاد منافع. حکمرانی پژوهشی مؤثر شامل ذی نفعان مختلفی از جمله پژوهشگران و تیم های آنها، هیئت های ارزیابی یا کمیته های اخلاق، مؤسسات تأمین مالی، نهادهای نظارتی، سردبیران و داوران همتاست. همان طور که عمیق تر به این موضوع می پردازیم، بررسی خواهیم کرد که چگونه حکمرانی پژوهش، چشم انداز پژوهش های علمی مدرن و تأثیر آن بر جامعه را به طور کلی شکل می دهد. این پژوهش به مرور روایتی ۸۰ مقاله مرتبط با حکمرانی پژوهش پرداخته است. بدین منظور و برای جستجوی کامل و جامع مقالات از پایگاه های داده گوگل اسکولار و اسکوپوس استفاده شد. چندین عبارت برای جستجوی مقالات اصلی و مرتبط استفاده شد که شامل حکمرانی پژوهش، مدل های حکمرانی پژوهش، حکمرانی پژوهش در حوزه سلامت و تنظیم گری پژوهش بود. این مرور می تواند ضمن آشنا کردن سیاست گذاران و مدیران ارشد و میانی حوزه پژوهش سلامت با اصطلاح حکمرانی و انواع آن، مدل های مختلف استفاده شده در این زمینه را تبیین کند.

**واژگان کلیدی:** حکمرانی، حکمرانی پژوهش سلامت، سیستم سلامت، مدل های حکمرانی پژوهش، استقلال پژوهشگران

### نکات ویژه

- ۱- حرکت از حکومت به حکمرانی یعنی حرکت از «اعمال قدرت بر» به «واگذاری قدرت به» و حرکت از «رویکرد قانون گذاری بالا به پایین» به «رویکرد مشارکتی در سیاست گذاری» است.
- ۲- آزادی کاوش در فرضیه ها و متدولوژی های متنوع، پژوهشگران را قادر می سازد در زمینه های تخصصی خودشان با رویکردهای منحصر به فردشان پژوهش نموده و تغییر و تکامل را در جوامع ایجاد کنند.

### مقدمه

پژوهش به معنای «عمل جستجوی دقیق و به طور نزدیک» یا «جستجوی متمرکز» مطرح و برای اولین بار در سال ۱۶۳۹ برای معادل «پرس و جوی علمی» در علوم مختلف مطرح شد، اما قبل از پایان قرن نوزدهم به ندرت در آن زمینه استفاده می شد. این تعاریف همگی ایده اصلی نظام مندی را نشان می دهند. تعاریف

مطابق توضیحات فرهنگ لغت آکسفورد، اصطلاح «Research» ریشه فرانسوی داشته، در قرن شانزدهم ظاهر شده و از اصطلاح «search» که ابداع آن به قرن چهاردهم برمی شود و به عنوان «Examine thoroughly» تعریف شده، گرفته شده است.

نوع به دنبال اجرایی کردن کارکردهای درک تأثیر سیاست ها، برنامه‌ها، فرآیندها، اقدامات یا رویدادهایی هستند که از هر بخش منشأ می‌گیرند، حمایت از پیشبرد مداخلاتی که به جلوگیری یا کاهش آن تأثیر و دستیابی به اهداف توسعه هزاره، عدالت در سلامت و سلامت بهتر برای همه کمک می‌کنند. پژوهش‌های سلامت طیف کاملی از پژوهش‌ها را که شامل پنج حوزه کلی است، در بر می‌گیرد: اندازه‌گیری میزان و توزیع مشکلات سلامت، درک علل مختلف یا عوامل تعیین‌کننده مشکل، خواه ناشی از عوامل بیولوژیکی، رفتاری، اجتماعی یا محیطی باشند، ایجاد راه‌حل‌ها یا مداخلاتی که به پیشگیری یا کاهش مشکل کمک می‌کند، پیاده‌سازی یا ارائه راه‌حل‌ها از طریق سیاست‌ها و برنامه‌ها و ارزیابی تأثیر این راه‌حل‌ها بر سطح و توزیع مشکل [۳].

پژوهش‌های جهانی سلامت نه تنها باید دانش تولید کنند. بلکه مهم‌تر از آن، باید به اقدام هم منجر شوند. به ویژه، نتایج آن باید تدوین و توسعه سیاست‌ها و برنامه‌ها و همچنین ارائه خدمات مراقبت از سلامت را هدایت کند. مداخلات مراقبت‌های سلامت باید مبتنی بر شواهد و پژوهش‌های محکم و قابل استناد باشد. گلاسزیو و چالمرز تخمین زدند که ۸۵ درصد از سرمایه‌گذاری‌هایی که برای پژوهش‌های بالینی صرف شده، به ضایعات پژوهشی قابل اجتناب تبدیل می‌شوند که ممکن است از هر مرحله در طول فرآیند پژوهش و کاربرد آن (یعنی بی‌توجهی به مقررات، حکمرانی و مدیریت توسعه پژوهش‌های بالینی) اتفاق بیفتد [۴].

والش و همکاران با بررسی تجربیات و نتایج پژوهش‌های انجام گرفته در کشور استرالیا، مطرح کرده اند داشتن چارچوب حکمرانی مناسب، مؤسسات پژوهشی را ملزم می‌کند تا سیاست‌ها و رویه‌هایی را برای برآورده کردن استانداردهای ملی، اخلاقی، قانونی و عملکرد پژوهشی داشته باشند. در حالی که بسیاری از این مؤسسات در حال حاضر چنین چارچوب‌هایی را نداشته و در پژوهش‌های انسانی، به طور نامناسب و بیش از حد به کمیته‌های اخلاق در پژوهش متکی هستند [۵].

در حقیقت برخی عوامل غیر معرفتی روی عوامل محتوایی و معرفتی علم اثر می‌گذارند و با ساخت شرایط، سمت و سوی خاصی به علم و پژوهش می‌دهند. یکی از عوامل مهم

فعلی نیز بر این ایده تمرکز دارد. چه به لغتنامه‌های قرن بیستم و چه به کنوانسیون‌های بین‌المللی پژوهش نگاه کنیم، تعاریف پژوهش همیشه حاوی ایده سیستماتیک یا نظاممند بودن است. برای مثال ویرایش ۱۹۳۹ فرهنگ لغت وبستر، پژوهش را به عنوان «پرس و جو یا آزمون مجدّانه در جستجوی حقایق یا اصول» تعریف می‌کند، در حالی که تعاریف اخیر اغلب «سختکوشی و نظام‌مندی» را مشخص می‌کند [۱]. به طور مشابه، OECD در تعریف پژوهش و توسعه به صراحت از کلمه «نظاممند» استفاده می‌کند: پژوهش و توسعه «کار خلاقانه سازمان‌یافته است برای افزایش ذخایر دانش علمی و فنی از جمله دانش انسان، فرهنگ و جامعه و استفاده از این ذخیره دانش برای ابداع برنامه‌های کاربردی جدید [۲].»

گودین (۲۰۰۱) پژوهش را فعالیت و کار خلاقانه‌ای می‌داند که برای کشف پدیده‌های جدید، ساخت ایده یا دانش، گسترش مرزهای دانش، بالا بردن ذخایر دانش (در حوزه‌های مختلف انسانی، فرهنگی و اجتماعی) در کنار به کارگیری برای ابداعات و نوآوری‌ها و ارائه راه‌حل‌های جدید، به صورت سیستماتیک و روشمند انجام می‌شود [۱]. پژوهش، به مثابه یک فعالیت خلاقانه، دارای ویژگی‌های خاصی است. او بر روی سه ویژگی از پژوهش تأکید کرده است. پژوهش به عنوان یک فعالیت نظاممند از مراحل متعدد استقرایی و منطقی پیروی می‌کند. به عبارت دیگر، پژوهش با مشاهدات خاص، آغاز و با قاعده و قانون عمومی پایان می‌پذیرد. علاوه بر آن، پژوهش از یک روش علمی پیروی می‌کند و ستانده‌ها و پیامدهای قابل باز تولید و قابل اندازه‌گیری دارد. پژوهش ماهیت ماندگار، برنامه‌ای و سازمان‌یافته‌ای دارد. بنابراین، پژوهش یک فعالیت تخصصی و مبتنی بر دانش است. سازمان جهانی سلامت نیز، به منظور دستیابی به هدف اساسی خود، یعنی «دستیابی همه مردم به بالاترین سطح ممکن سلامت»، پژوهش با کیفیت بالا را ضروری می‌داند و تأکید می‌کند نتایج پژوهش‌ها، عناصر حیاتی برای بهبود سلامت در دنیا، عدالت در سلامت و همچنین توسعه اقتصادی است. اصطلاح «پژوهش برای سلامت» نشان‌دهنده این واقعیت است که بهبود پیامدهای سلامت نیازمند مشارکت بخش‌ها و رشته‌های بسیاری است. همان‌طور که در کار «انجمن جهانی پژوهش سلامت» مشخص شده، پژوهش‌هایی از این

حکمرانی، به واژه یونانی کوبرنان (Kubernan) به معنای هدایت کردن بازمی‌شود و توسط افلاطون در رابطه با چگونگی طراحی نظام حکومت استفاده شده است. ریشه این اصطلاح یونانی از لغت گوברناره (Gubenare) در لاتین قرون وسطاست که بر همان مفاهیم هدایت، قانونگذاری یا راندن دلالت می‌کند. در برگردان متن‌ها به فارسی برای واژه Governance معادل‌های مختلفی مانند حکومتداری، حکمرانی، حاکمیت، نظام تدبیر و نظایر آن استفاده شده است. از بین آنها واژه «حکمرانی» یکی از چند معادلی است که در «فرهنگ علوم انسانی» داریوش آشوری پیشنهاد شده و مقبولیت بیشتری یافته، معادل «نظام تدبیر» اصطلاح دیگری است که توسط بایزید مردوخی به کار گرفته شده و قرابت معنایی بیشتری با واژه مورد نظر دارد [۹].

وبر در نظریه سلطه بر این باور است که هیچ جامعه و تمدنی بدون وجود روابط اقتدار و سلطه امکان تداوم ندارد. او بر اساس پژوهش‌های توصیفی - تاریخی خویش سه نوع رابطه اقتدار را کشف کرده است: اقتدار سنتی، اقتدار کاریزماتیک و اقتدار عقلایی - قانونی که به دستگاه اداری بوروکراسی انجامید. هر رابطه‌ای که بتوان نام آن را رابطه اقتدار و سلطه گذاشت، باید یک عنصر حاکم و یک عنصر محکوم داشته باشد تا شکل بگیرد. منشأ و ریشه شکل‌گیری روابط اقتدار بین حاکم و محکوم (منشأ سنت‌ها، منشأ کاریزما و منشأ عقلایی - قانونی) ما را به سه گونه رابطه اقتدار رهنمون می‌کند که نوع سوم آن، روابط اقتدار را در دستگاه اداری و بوروکراسی می‌گنجاند که محکومان در قالب سلسله مراتب‌ها از حاکمان تبعیت می‌کنند که به نظریه «بوروکراسی وبر» معروف است که بعدها و در ادبیات حکمرانی، با عنوان حکمرانی سلسله مراتبی مطرح شد که در عرض گونه‌های دیگر حکمرانی مثل حکمرانی بازاری و حکمرانی شبکه‌ای قرار گرفته است [۷]. رایج‌ترین حالت مورد استفاده حکمرانی، بر حرکت از رویکرد قبلی یعنی قانون‌گذاری بالا به پایین (رویکردی که رفتار افراد و سازمان‌ها را به شکل مشخص و با جزئیات تنظیم می‌کند) که آن را «حکومت» می‌نامیدند، به سمت رویکرد جدیدی است که بر تنظیم مولفه‌های مختلف سیستم متمرکز شده، به‌طوری که افراد و سازمان‌ها در این سیستم فعالیت کرده و در نتیجه

غیرمعرفتی اثرگذار در علم و پژوهش، حکومت است. بررسی سیر تاریخی مواجهه حکومت‌ها با علم و عالمان، درس‌های فراوانی دارد که جهت‌دهی به علم را در عمل توصیف می‌کنند. جنگ جهانی اول یکی از نقاط عطف تاریخی است که اذهان حاکمان را به شکل شگفت‌انگیزی به سمت پژوهش و راهبری آن معطوف کرد. علت این توجه هم، چشیدن طعم پیروزی به کمک پژوهش‌ها بود. پژوهش‌های کاربردی و نظامی (اعم از پژوهش برای ساخت سلاح و سایر پژوهش‌های اجتماعی) نقش بسیار مهمی را در تعیین سرنوشت جنگ جهانی رقم زده بود. توجه حکومت‌ها به امر پژوهش در جنگ جهانی دوم بیش از پیش شد، از این رو مداخله فعال دولت‌ها پژوهش امکان‌پذیر شد و همچنین اهمیت یافت. کمیته‌های علمی جدیدی برای مشورت به دولت‌ها شکل گرفتند و تخصیص منابع برای اهداف خاص افزایش یافت [۶]. نسل جدیدی از متخصصان ظهور کردند که بین نظام‌های هنجاری و ارزشی دانشگاه و دولت پل می‌زدند، فرهنگ لغات جدیدی در فضای علمی ایجاد کرده بودند و نوع جدیدی از نقش‌ها به عنوان سیاست‌مداران علم و تکنولوژی ایجاد کردند [۷].

### تاریخچه و معنای حکمرانی

مفهوم حکمرانی ریشه در تاریخ سیاست دارد. در طول تاریخ اندیشمندان مختلفی از ابعاد گوناگونی پیرامون پیدایش و توسعه این مفهوم به بررسی و پژوهش پرداختند. این مفهوم ریشه پیشاسقراطی دارد و اندیشمندان امروز علم سیاست در مغرب و مشرق زمین را به خود مشغول کرده و هریک گزاره‌های بر گزاره‌های گذشته افزودند و گاهی با به چالش کشیدن مفهوم رایج از حکمرانی، شکل جدیدی به وجود آوردند یا آنچه را رایج بود، تکمیل کردند. به هر حال امروزه مفهوم حکمرانی ادبیات نظری به نسبت مناسبی را در اندیشه‌های علوم سیاسی و مدیریت دولتی دارد. اما در برهه‌هایی از تاریخ علم سیاست، نیازهای روز باعث طرح مفاهیمی شد که منجر به ایجاد الگوهای خاصی از حکمرانی شده‌اند. اقتضائات شرایط جدید حاکمان را به بهره‌گیری از شکل‌های جدید حکمرانی برانگیخته است [۸]. سلیمی و مکنون مطرح می‌کنند از نظر واژه‌شناسی

آن را پیش می‌برد. درک نظریه سیاسی با تعریف «حکومت» آغاز می‌شود. اساساً حکومت، استفاده سیستماتیک از زور در یک منطقه جغرافیایی تعریف شده برای کنترل (به درجات مختلف) رفتار انسانی است. در حقیقت حکومت قدرت است، یک قدرت قهری [۱۵].

پیر و پترز بیان کرده‌اند «حکمرانی به نقش در حال تغییر دولت در جامعه و ظرفیت متغیر آن برای پیگیری منافع جامعه، تحت محدودیت‌های شدید خارجی و داخلی مربوط است.» به عبارت دیگر حکمرانی فرآیندها و نهادهایی را توصیف می‌کند که از طریق آنها کنش اجتماعی رخ می‌دهد که ممکن است دولتی باشند یا نباشند [۱۲]. معمولاً حکمرانی در بنگاه‌های اقتصادی به نقش هیئت مدیره برای نمایندگی و محافظت از منافع سهامداران تاکید می‌کند [۱۶] و در حوزه‌های غیرانتفاعی هم به نقش هیئت‌های معتمدان در حفاظت از منافع اعضای آن اجتماع متمرکز است [۱۷]. پناهی و همکاران اعتقاد دارند حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود. براساس تعریف برنامه توسعه سازمان ملل، حکمرانی خوب، «مدیریت امور عمومی بر اساس حکمرانی قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومتداری» است. به عبارت دیگر، هر اندازه حکمرانی قانون بیشتر و دستگاه قضایی کارآمدتر و عادلانه‌تر و میزان مشارکت در یک کشور بیشتر باشد، حکمرانی در آن کشور خوب‌تر است [۱۷].

مفهوم حکمرانی مجموعه‌ای از سوالات مختلف را در ذهن ایجاد می‌کند. برای مثال: چه کسی در قلمرو عمومی حق تصمیم‌گیری و تاثیرگذاری بر آن را دارد؟ چه اصولی در تصمیم‌گیری‌های بخش عمومی باید رعایت شود؟ چگونه می‌توان مطمئن شد که فعالیت‌های دولتی می‌تواند منجر به بهبود رفاه آن دسته از ذی‌نفعان که حداکثر اولویت‌ها را به آنها داده‌ایم شود؟ [۱۸].

سردارنیا اظهار می‌کند حکومت را نباید با حکمرانی یکسان انگاشت، حکومت نهادهای سیاسی-اداری و دستگاه‌های قانون‌گذاری، اجرایی، قضایی و نظامی در بر می‌گیرد که عهده‌دار برقراری نظم و امنیت جامعه، گرداندن جامعه و برآوردن نیازهای گوناگون شهروندان هستند، حال آنکه حکمرانی به پویاها و

خودتنظیمی به وجود می‌آید و سیستم می‌تواند به نتایج مورد نظر دست یابد که آن را «حکمرانی» می‌نامند دلالت دارد. به عبارت دیگر «اعمال قدرت بر» با «واگذاری قدرت به» جایگزین می‌شود [۱۰].

جسوپ حکمرانی را واژه فازی می‌داند که می‌تواند برای هر چیزی استفاده شود، اما چیزی را هم بیان و توصیف نکند. در حقیقت حکمرانی مفهومی چندظرفیتی و چندبافتی است و معنای آن در زمینه‌های متفاوت و برای اهداف کاملاً متضاد، اگر نه کاملاً متناقض، استفاده شده است. در واقع، رواج زیاد این اصطلاح، احتمال اینکه بحث‌های فراوان بین کسانی را که از آن استفاده می‌کنند، افزایش می‌دهد و می‌تواند منجر به سوء تفاهم‌های بی‌اساس و اختلاف نظرهای متعدد شود [۱۱].

در کنار تعاریف مختلفی که بیان شد نظر کتل این است که حکومت، تشکیلات و تابع نهادهای عمومی است و حکمرانی راهی است که حکومت از آن طریق به وظایفش عمل می‌کند. به روایت ساده‌تر، کاری که حکومت می‌کند همان حکمرانی است. او در کتاب خود مطرح می‌کند: «... در سال ۱۹۵۰، جان گاوس استدلال کرد، نظریه مدیریت دولتی در زمان ما به معنای نظریه سیاسی نیز هست. از نظر ایشان حکمرانی، راهی برای توصیف پیوندهای بین دولت و محیط گسترده تر آن یعنی محیط سیاسی، اجتماعی و اداری است. همچنین راهی برای به تصویر کشیدن ابتکاراتی است که دولت‌ها در سراسر جهان برای کوچک کردن اندازه خود، در حالی که تلاش می‌کنند خواسته‌های شهروندان خود را برآورده سازند، به کار گرفته‌اند [۱۲]. حکمرانی مفهومی گسترده است که مستقیماً با حوزه‌هایی مانند محیط اقتصادی یا به عبارتی امنیت اقتصادی، سیاست، جامعه و قانون مرتبط است [۱۳].»

رونیهوف و همکاران در مقاله خود مطرح کرده‌اند که نظریه سیاسی به عبارتی فلسفه سیاسی است و درمورد تعریف مبانی اساسی روابط سیاسی بین دولت، افراد و/یا گروه‌هاست. جایی که علوم سیاسی عمدتاً فرآیندها، ساختارها و نهادهای سیاسی را مطالعه می‌کند، نظریه سیاسی اصول هنجاری را مطالعه می‌کند که روابط بین افراد، جامعه و دولت را تعریف، اطلاع‌رسانی، راهنمایی و مستقر می‌کند به عبارتی نظریه سیاسی آنچه را که روابط سیاسی باید باشد و نباید باشد، بررسی می‌کند و

یک شبکه خودسازمان‌ده. غلامپور به غیر از دسته‌بندی ارائه شده توسط رودز، دو مورد دیگر را به استناد مطالعات انجام شده اضافه کرده است: حکمرانی به عنوان وابستگی متقابل بین‌المللی و حکمرانی اقتصاد سیاسی جدید [۸]. تامپسون اعتقاد دارد حرکت از حکومت به حکمرانی طی دو فرآیند اساسی صورت می‌پذیرد. فرآیند اول: وارد شدن بازیگران خارج از مرزهای رسمی دولت، در فرآیند اداره کردن که روند افزایشی دارد و این فرآیند اتکا دارد بر شبکه‌هایی از بازیگران به هم مرتبط از بخش‌های خصوصی، داوطلبانه و عمومی (به جای سلسله مراتبی که توسط دولت تعریف می‌شود). فرآیند دوم: سازمان داخلی نهاد دولتی، پیچیده‌تر و چندسطحی می‌شود و توسط سازمان‌های تحت ملی و فراملی مورد نفوذ قرار می‌گیرد [۲۲].

در جدول ۱ تعدادی از گونه‌های حکمرانی به همراه ویژگی‌های اصلی‌شان درج شده است.

### حکمرانی حوزه پژوهش

حکمرانی پژوهشی را می‌توان به عنوان طیف گسترده‌ای از مقررات، اصول و استانداردهای عملکرد خوب تعریف کرد که برای دستیابی و بهبود مستمر کیفیت پژوهش در تمام جنبه‌های مراقبت از سلامت در سراسر جهان وجود دارد. همچنین می‌توان آن را به عنوان مقررات، اصول و استانداردهای پروژه‌های خارج از تحقیقات مراقبت از سلامت، از جمله انجام مطالعات خوب، تعریف کرد [۶۷]. دانشگاه رودز وظایف حکمرانی پژوهش را بدین صورت مطرح کرده است: «پاسخگویی برای پایش، بازنگری و پیشنهاد سیاست‌ها، روش‌های اجرایی، رویه‌ها و گایدلاین‌های دانشگاه به منظور تحقق اهداف کلی و اختصاصی پژوهشی و ارائه زیرساخت‌های مرتبط با پژوهش و خدمات پشتیبانی دانشگاه [۶۸]». گلیسر اعتقاد دارد حکمرانی پژوهش را می‌توان به عنوان «ساخت و اعمال اقتدار روی اهداف و رویکردهای پژوهش» تعریف کرد. به عبارتی ساده‌تر حکمرانی پژوهش به نحوه چینش روابط اقتدار در شبکه کنشگران موجود در عرصه پژوهش می‌پردازد و چگونگی ارتباط حاکم و محکوم در عرصه علم و پژوهش را تبیین می‌کند. کشف این روابط لازمه توصیف نظم موجود در عرصه پژوهش و تجویز نظم جدید در این عرصه است تا از طریق آن، پژوهش‌ها به سمت و سوی مد نظر حرکت کنند [۷].

فرآیندهای تصمیم‌گیری، چگونگی کاربرد قدرت و چند و چون روابط دولت و شهروندان (افراد و گروه‌ها) اشاره دارد [۱۹]. سازمان جهانی سلامت، حکمرانی نظام سلامت را به عنوان یک کارکرد ملی تعریف می‌کند که مستلزم «حصول اطمینان از وجود چارچوب‌های استراتژیک همراه با نظارت مؤثر، ایجاد ائتلاف، تعیین مقررات و مشوق‌های مناسب، توجه به طراحی سیستم و مسئولیت‌پذیری است [۲۰]. مفهوم «حکمرانی» برای فرآیندهایی که از طریق آن تصمیمات عمومی گرفته می‌شود، به کار رفته است. به عنوان مثال لندن میلز و سراگلدین (۱۹۹۱) حکمرانی را به عنوان «... استفاده از اقتدار سیاسی و اعمال کنترل بر جامعه و مدیریت منابع برای توسعه اجتماعی و اقتصادی» تعریف کرده‌اند. این تعریف بر ماهیت سیاسی و جنبه مدیریتی حکمرانی تأکید دارد، اما ماهیت رابطه بین مقامات و مردم را تعریف نمی‌کند. تعریف دیگری توسط چارلیک (۱۹۹۲) برای برنامه دموکراسی و حکمرانی دفتر USAID آفریقا ارائه شده است: «... مدیریت مؤثر امور عمومی از طریق ایجاد رژیمی که قوانینی را تعیین می‌کند و به منظور ترویج و تقویت ارزش‌های اجتماعی که افراد و گروه‌ها به دنبال آن هستند، به عنوان مشروع پذیرفته می‌شود.» تعریف چارلیک ابعاد هنجاری‌تری را از نظر نتایج فرآیند و ماهیت رابطه بین «صاحبان قدرت» و «بقیه افراد جامعه» به این مفهوم ارائه می‌دهد. همچنین در مورد کیفیت فرآیند مدیریت صحبت می‌شود. در مجموع همه این تعاریف با ویژگی‌های مشخص شده توسط صاحب‌نظران به عنوان «حکمرانی خوب» مطرح می‌شود [۲۱]. برخی نیز حکمرانی را به عنوان «ساختارها و فرآیندهایی که به وسیله آنها افراد جامعه به اتخاذ تصمیمات، تنظیم قوانین و تسهیم قدرت می‌پردازند» تعریف می‌کنند [۸].

### گونه‌های مختلف حکمرانی

در ادبیات علوم سیاسی گونه‌های مختلفی از حکمرانی مطرح شده است. رودز (۱۹۹۶) در فصل سوم کتاب خود و در مقاله پراستنادش، شش تفسیر از واژه حکمرانی ارائه کرد: دولت حداقلی، حکمرانی شراکتی/مشترک، مدیریت عمومی نوین، حکمرانی خوب (مطرح شده توسط بانک جهانی)، حکمرانی به عنوان سیستم‌های سایبرنتیک اجتماعی و حکمرانی به عنوان

## جدول ۱ | انواع و ویژگی‌های حکمرانی

| ردیف | نوع حکمرانی                                                                                   | ویژگی‌های اصلی                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              |
|------|-----------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | حکمرانی سلسله مراتبی<br>(Hierarchical Governance)<br>(۲۶-۲۳۰۷)                                | شکل سنتی حکمرانی که توسط دولت از طریق ساختارهای سلسله مراتبی فرمان‌دهی و کنترل می‌شود، اعمال مستقیم اختیارات دولتی برای جمعیت‌های هدف، روابط قدرت ایستاست، مدیریت از طریق محتوا و چشم‌انداز، استفاده از فرآیندهای با قابلیت تغییر بسیار، رویکرد از سیاست به رویکرد پروژه‌ای، ذاتا سیاسی و نهادی است و هویت‌محور است به این معنا که هویت دولت معتبر و مشروع تلقی می‌شود، به تدریج توسط حکمرانی از طریق بازارها، انجمن‌ها و مشارکت اجتماعی جایگزین می‌شود.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    |
| ۲    | حکمرانی شبکه‌ای<br>(Networking Governance)<br>(۷۸۰۲۵، ۲۷-۲۹)                                  | شکسته شدن ساختار سلسله مراتبی حکمرانی، شکل افقی‌تر هدایت و سازمان‌دهی، مدیریت از طریق ارتباطات و بازی برد برد، تغییر مفهوم سیاست، خودکار بودن نظام‌مند، بالا بودن ظرفیت حل مسائل عمومی، تمرکز قوی بر بعد بین سازمانی سیاست‌گذاری، مشارکت بیشتر با بازیگران اجتماعی، بخش خصوصی و سایر ذی‌نفعان و اهداف مبهم، چند مسئله داشتن                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |
| ۳    | حکمرانی بازار<br>(Market Governance)<br>(۷۰۳۰، ۳۱)                                            | قوانین رسمی یا غیررسمی آگاهانه برای تغییر رفتار بازیگران مختلف اقتصادی (مردم، مشاغل، سازمان‌ها و دولت)، انعطاف‌پذیری زیاد، تغییر هنجار مردم، متاثر از فرهنگ                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |
| ۴    | فراحکمرانی<br>(Meta-Governance)<br>(۳۲-۳۴)                                                    | تنظیم‌گری، قاعده‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرا در سطح چند دستگاه دولتی و یا حاکمیتی، دخالت دولت در سازمان‌دهی استراتژیک و بافتار و قوانین اساسی برای حکومت، فرایندی که در آن بحث، فرمول‌بندی و کاربرد ارزش‌ها، هنجارها و اصول برای حکمرانی صورت می‌گیرد.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |
| ۵    | حکمرانی مشترک<br>(Collaborative Governance)<br>(۳۵-۳۹)                                        | واژه مشارکتی بر مشارکت دولت با شهروندان و واژه مشترک بر مشارکت نهادهای مختلف دلالت دارد. ارتباط دولت، جامعه و بخش‌های خصوصی با یکدیگر و همکاری با یکدیگر برای دستیابی به بیش از آنچه که هر بخش به تنهایی می‌تواند به دست آورد، هدف غایی اجرای یک رویکرد اقتضایی از همکاری است تا حکمرانی مشترک به عنوان رویکردی برای سیاست‌گذاری و مدیریت عمومی کم و بیش موثر عمل کند، نیازمند سه رکن حمایت، رهبری و یک فروم است. دو نوع افقی و عمودی دارد.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |
| ۶    | حکمرانی شرکتی<br>(Corporate Governance)<br>(۴۰-۴۴)                                            | اولین استفاده مستند از آن توسط ریچارد ایلز (۱۹۶۰) برای نشان دادن «ساختار و عملکرد سیاست شرکتی» انجام شد. «دولت شرکتی» قدیمی‌تر است و به کتاب‌های درسی مالی در آغاز قرن بیستم برمی‌گردد. اشاره به روشی که هیئت مدیره یا مشابه آنها یک شرکت را هدایت می‌کنند و قوانین و آداب و رسوم (قواعد) مربوط دارد. مجموعه‌ای از فرایندها، آداب و رسوم، سیاست‌ها، قوانین و نهادهایی است که بر نحوه هدایت، اداره یا کنترل افراد یک سازمان تأثیر می‌گذارد. شامل روابط بین افراد درون یک سازمان، (ذی‌نفعان) و اهداف شرکت هم می‌شود. بازیگران اصلی شامل سهامداران، مدیریت و هیئت مدیره است. سایر ذی‌نفعان شامل کارمندان، تأمین‌کنندگان، مشتریان، بانک‌ها و سایر وام‌دهندگان، تنظیم‌کننده‌ها، محیط زیست و جامعه به طور کلی هستند. مدل‌های مختلف دارد: تصاحبی (Takeover models)، سهامداران عمده (Blockholders models)، مدل‌های هیئت مدیره‌ای (Board models)، مدل‌های پادشاه مدیر اجرایی (executive compensation models)، مدل‌های چند حوزه‌ای/موسسان (Multi-constituency models) |
| ۷    | حکمرانی مشارکتی<br>(Participatory Governance)<br>(۳۵، ۳۸، ۴۵، ۴۶)                             | واژه مشارکتی بر مشارکت دولت با شهروندان اشاره دارد و با حکمرانی مشترک متفاوت است، تمرکز بر مشارکت عمیق و دموکراتیک شهروندان (بازیگران جامعه) در حکمرانی، شهروندان نقش مستقیمی در انتخاب‌ها و تصمیم‌های عمومی دارند.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |
| ۸    | حکمرانی مدیریت دولتی نوین<br>(New public management)<br>(۳۹، ۴۱، ۴۷، ۴۸)                      | بر مدیریت بخش عمومی متمرکز است که عملکردمحور است نه سیاست‌محور، سه استراتژی آن سازمان‌دهی مجدد مدیریت دولتی، تمرکززدایی از همپایی‌ها و شبکه‌ها و نوآوری. یک اصطلاح پوشش‌دهنده برای شبکه‌های حکمرانی و مشارکت‌ها برای تقویت همکاری‌های عمومی-خصوصی و عمومی-غیرانتفاعی است. بیشتر از ساختارهای داخلی به چگونگی روابط خارجی دولت‌ها می‌پردازد.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |
| ۹    | حکمرانی خوب<br>(Good Governance)<br>(۷۰، ۱۷۰، ۱۹۰، ۲۰۰، ۴۱، ۴۹-۵۱)                            | رابطه نزدیک بین سه رکن دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی، مشارکت عمومی، استفاده مسئولانه از قدرت سیاسی و منابع عمومی توسط دولت، تضمین تحقق حقوق بشر، جلوگیری از سوءاستفاده و فساد، روراستی، شفافیت در هنجارهای سازمانی و گردش اطلاعات و مسائل مالی، پاسخگویی به جامعه و مسئولیت‌پذیری، یکپارچگی، اثربخشی، انسجام و مشروعیت                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       |
| ۱۰   | حکمرانی به عنوان سیستم‌های سایبرنتیک اجتماعی<br>(Socio cybernetic Governance)<br>(۲۶، ۴۱، ۵۲) | بر اصطلاح نظامی، سایبر به معنای حوزه دیجیتال (اینترنت، شبکه‌های دیگر، اینترنت اشیا و غیره) اغلب به عنوان پنجمین حوزه جنگ در کنار زمین، آب، هوا و فضا شناخته می‌شود، به عنوان یک لایه کنترل در بالای همه دامنه‌های دیگر در نظر گرفته می‌شود. بر نقش اطلاعات در اشکال مختلف آن و مدیریت جریان‌های اطلاعاتی برای تصمیم‌گیری تمرکز دارد، چگونه می‌توان پیچیدگی را از طریق کاربرد تئوری پیچیدگی اداره کرد، اهمیت دادن به حقوق مالکیت فکری به عنوان یک مکانیسم مهم در اقتصاد دیجیتال، تنوع نظارتی به تعداد قوانین یا مکانیسم‌های نظارتی مختلف مورد استفاده برای کنترل یک سیستم اشاره دارد.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        |
| ۱۱   | حکمرانی عمومی<br>(Public Governance)<br>(۱۸، ۵۳-۵۵)                                           | در مقابل حکمرانی خصوصی و شرکتی مطرح شد، گروهی از مردم (شاید با عقاید یا منافع متفاوت) به تصمیمات جمعی می‌رسند که برایشان الزام‌آور و به عنوان سیاست مشترک اجرا می‌شود؛ استفاده از مکانیسم‌های بازار و روش‌های بالا به پایین. وقتی بازیگران شرکتی این واقعیت را از دست می‌دهند که شرکت‌هایی که اداره می‌کنند و تصمیم‌هایی که می‌گیرند بر جامعه به‌طور کلی تأثیر می‌گذارند و نه فقط سهامداران، در معرض عمومی شدن قرار می‌گیرند. امتیاز خودتنظیمی از بازیگران خصوصی سلب می‌شود و در عوض، انتخاب‌ها و ساختارها را برای آن بازیگران تعیین می‌کند، افزایش نفوذ دولت در شرکت‌ها، شیوه‌ای که طی آن ذی‌نفعان مختلف به منظور تأثیرگذاری بر پیامد سیاست‌های عمومی با یکدیگر در تعامل هستند و هدف حکمرانی حمایت از منافع جامعه از طریق تعریف، اطلاع‌رسانی، راهنمایی و تثبیت روابط اقتدار و سلطه است.                                                                                                                                                                    |
| ۱۲   | حکمرانی جهانی<br>(Global Governance)<br>(۵۶-۶۰)                                               | در مقابل مفهوم سنتی حکمرانی است، مجموعه‌ای از نهادهای رسمی و غیررسمی، فرایندها، ارتباطات و سازوکارها بین دو یا چند دولت، سازمان یا شهروند-ماهیت میان-دولتی یا غیردولتی دارد، همچنین وقتی گروهی از نهادها و موجودیت‌های هم‌قدرت ارتباط چارچوب‌مند داشته باشند.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |
| ۱۳   | حکمرانی غیرانتفاعی<br>(Non-profit Governance)<br>(۶۱، ۶۲)                                     | دستیابی به مأموریت اجتماعی سازمان و اطمینان از تداوم آن در سازمان. برعهده هیئت امناء (یا هیئت مدیره، یا کمیته مدیریت و ...) اعتماد عمومی و پاسخگویی ضروری است، تحقق مأموریت اجتماعی به گونه‌ای که مورد احترام کسانی باشد که سازمان به آنها خدمت می‌کند و جامعه‌ای که در آن قرار دارد.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       |
| ۱۴   | حکمرانی نهادی<br>(Institutional Governance)<br>(۴۹، ۶۳-۶۵)                                    | به‌طور خاص برای دانشگاه‌ها، مستلزم راه‌اندازی یا نظارت بر فرآیندهای نهادی مختلف و مقررات تنظیم‌گری، ریسک بالای تأثیرگذاری بازیگران فردی در نهادهای برای منافع شخصی، مشارکت و تأثیرگذاری اساتید در حکمرانی و تصمیم‌گیری، اساتید به تنهایی دارای انواع و درجه صلاحیت ضروری برای وظیفه دانشگاه هستند.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          |
| ۱۵   | حکمرانی تنظیمی<br>(Regulatory Governance)<br>(۶۶)                                             | همسو شدن نهادهای سیاسی پراکنده را به صورتی که بین آنها، قابلیت انطباق وجود داشته باشد، گویند. این نوع حکمرانی بیشتر از آنکه بر ارائه خدمات متمرکز باشد، به تنظیم ارتباطات می‌پردازد و تأکید آن بر گرایش نهادهای سیاستی برای مقابله با پیچیدگی، با استفاده از سیستم قانونی منحصر به فرد است. کاربرد آن بیشتر در حوزه‌ها و کشورهایی است که پیچیدگی بیشتری داشته، جهانی‌تر هستند و رقابت و دموکراسی در آنها بیشتر است.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |

زندانیان یا نظامیان و یا نژادهای مختلف و یا دارای فقر مالی را مطرح کرده که بدون دریافت رضایت کاملاً آگاهانه یا اطلاع از سیر آزمایشات و یا درمان تحت آزمایش قرار گرفته‌اند و مطرح کرده‌اند. در بسیاری از کشورها، پژوهش از یک تلاش غیرقانونی که توسط افراد مستقل از کنترل‌های خارجی کار می‌کنند به یک فعالیت بسیار رسمی، نظم دار و نهادینه شده تبدیل شده است. این تغییر دلایل تاریخی و اجتماعی متعددی دارد، از جمله افزایش مقیاس پژوهش و بودجه ملی برای حمایت از آن، انتظار پاسخگویی بیشتر در بخش عمومی، افشای تقلب و سوءرفتار در پژوهش (به ویژه در مورد گروه‌هایی که توانایی یا فرصتی برای دادن رضایت آگاهانه ندارند). رشد سریع سیستم‌ها و رویه‌ها برای مدیریت و حکمرانی پژوهش، سردرگمی و نارضایتی را در جامعه پژوهشی ایجاد کرده و پژوهشگران از افزایش بار کاغذبازی، کاهش آزادی پژوهش، تأخیرهای پرهزینه ناشی از روندهای طولانی درخواست، تصمیمات ناسازگار و در برخی موارد، توقف کل برنامه‌های پژوهشی توسط کمیته‌های اخلاق، ابراز تاسف می‌کنند. آنها تأکید دارند که دو اصطلاح «پژوهش» و «حکمرانی» معانی متفاوتی در حوزه‌های مختلف دارند. حتی با برخورداری از خطوط راهنمای شفاف، ابهامات باید با قضاوت انسان حل شود. بنابراین تنوع در ماهیت و نتیجه تصمیمات تأیید یک واقعیت است. نوع تأییدیه مورد نیاز برای یک پژوهش بستگی به مسئولیت رسمی نهاد تأیید کننده، سوالی که باید به آن پرداخته شود، روش‌های مورد استفاده، زمینه‌ای که کار در آن انجام خواهد شد، سطح تحلیل و تفسیر، نحوه ارائه و استفاده از یافته‌ها دارد [۶۹].

حکمرانی سیستم مدیریت و نظارت است که از طریق آن پژوهش‌ها، مدیریت می‌شود، شرکت کنندگان در پژوهش و کارکنان محافظت می‌شوند و مسئولیت‌پذیری تضمین می‌شود. حکمرانی وظیفه هیچ نهاد واحدی نیست (درواقع، کار همه است). بنابراین تعجب‌آور نیست که تعارض‌هایی بین قوانین منطقه‌ای، ملی یا بین‌المللی (مثلاً اتحادیه اروپا) وجود داشته باشد و همیشه وجود خواهد داشت. قوانین ملی و اروپایی و استانداردها، هنجارها و ارزش‌های حرفه‌ای. در بریتانیا، نقطه مرجع اصلی چارچوب حکمرانی پژوهشی برای مراقبت‌های سلامت و اجتماعی است که هدف آن ارتقای کیفیت اخلاقی و علمی، ترویج

این اهداف و رویکردهای پژوهشی توسط پژوهشگران و همه کنشگران حاضر در عرصه پژوهش که به صورت متقابل به همدیگر وابسته هستند، ایجاد و تغییر می‌یابند. بنابراین از یک سو حکمرانی چندسطحی یکی از لازمه‌های حکمرانی پژوهش است و از سویی دیگر به دلیل خاصیت منحصر به فرد نظام‌های علمی، سطح خرد یعنی پژوهشگران شخصی در تعیین اهداف و رویکردهای پژوهشی (خودشناسایی اهداف و وظایف و...) نقشی بسیار برجسته دارند و به همین دلیل پژوهشگران ضروری‌ترین «نقطه الزامی عبور» برای حکمرانی پژوهش هستند. از این نظر لازم است رویکردهای کلان که از منظر خط مشی علم دنبال جهت‌دهی به پژوهش هستند و توجه کمتری به عرصه عملیاتی پژوهش می‌کنند و رویکردهای خرد که از منظر مطالعات قوم‌نگارانه آزمایشگاهی و جامعه‌شناسی علم به پدیده پژوهش و جهت‌دهی آن نگاه می‌کنند و در انتساب آن به سطح کلان نظام علمی ناتوان هستند، در حکمرانی پژوهش تلفیق شوند و بر اساس این رویکردهای تلفیق شده، جعبه ابزار حکمرانی پژوهش با در نظر داشتن جایگاه و ابزارهای سطح کلان و اهمیت سطح خرد ارائه شود [۷].

در امر پژوهش، تنظیم‌گری به شکل مشارکتی میان سازمان پژوهش و پژوهشگران خواهد بود؛ به طوری که از یک سو سازمان از مسئولیت‌خواهی‌ها و حساب‌کشی‌ها در مقیاس افراد و گروه‌ها صیانت می‌کند، شرایط ارتقای کنش پژوهشی اخلاق‌محور را فراهم می‌کند، امر حکمرانی پژوهش ارزشیابی می‌شود و از سوی دیگر مشارکت‌کنندگان در امر پژوهش برای صیانت از انسجام تحقیق، خودتنظیمی دارند، تعارض منافع را اظهار می‌کنند و نتایج پژوهش خود را مسئولانه مورد گفتگو قرار می‌دهند. با این توضیح، حکمرانی پژوهش، جهتی مداخله‌ای، سازمانی، مشارکتی و تنظیمی دارد. حکمرانی است، پس بعد مداخله‌ای دارد. در پرتو قواعد و هیمنه سازمانی متحقق می‌شود، پس سمت و سوی سازمانی دارد. با مشارکت اعضای هیئت علمی صورت می‌پذیرد، پس مسیری مشارکتی دارد و به ایجاد میدان مستعد و متوازی از ترابط و تناسب میان ذی‌نفعان علمی و اجرایی مبادرت می‌کند پس مسیری تنظیمی دارد.

شاو و همکاران در مقاله خود نمونه‌های متعدد آزمایشات انجام گرفته بر روی انسان‌ها از کودک تا بزرگسال، افراد عادی تا

۱- مثلث هماهنگی آموزش عالی کلارک (۱۹۸۳): الگوی کلارک شامل سه المان بازار، اقتدار دولتی و الیگارشیک است که شامل حوزه پژوهش هم می‌شود [۷، ۷۱، ۷۲]

۲- مدل ارتباط دولت و نهادهای آموزش عالی کاری و فیشبر (۱۹۸۶): روابط بین دولت و نهادهای آموزش عالی را در قالب یک طیف در چهار مدل طبقه‌بندی کردند که از میزان بالای کنترل دولتی و انعطاف نهادی پایین تا میزان پایین کنترل دولتی و انعطاف نهادی بالا را شامل می‌شود: مدل عاملیت دولتی، مدل آموزش عالی، مدل آموزش عالی تحت کنترل دولتی، مدل آموزش عالی تحت حمایت دولت و مدل آموزش عالی شرکتی یا بازار آزاد [۷۳].

۳- مدل مکعبی براون و میرین (۱۹۹۹): از سه بعد برای طراحی مدل خود استفاده کردند، نظام اعتقادی حکومت‌ها در مورد آموزش عالی که بران و میرین آن را در دو گروه سیستم اعتقادی رایج «دانشگاه‌ها به مثابه موسسات فرهنگی که به طور کلی به انسجام اجتماعی و توسعه اقتصادی جوامع مدرن کمک می‌کنند و در اکثر کشورهای اروپایی و در برخی از ایالات آمریکا، این سیستم اعتقادی برای مدت طولانی غالب بوده» و «سیستم اعتقادی که دانشگاه‌ها را به مثابه نهادهای خدمات عمومی در خدمت اهداف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورها می‌دانند». مؤلفه‌های این نظام اعتقادی بر روابط بین دولت‌ها و مؤسسات آموزش عالی در اکثر ایالت‌های آمریکا تأثیر گذاشته و شروع به تغییر استراتژی‌های دولتی در بسیاری از کشورهای اروپایی و OECD کرده‌اند. استقلال ذاتی، استقلال رویه‌ای، دانشگاه‌ها. با در نظر گرفتن سه بعد فوق، گونه‌شناسی مکعبی از حکمرانی ارائه و ۶ نوع حکمرانی را در دو دسته مطرح کردند: دسته اول: مبتنی بر نظام عقیدتی فرهنگی شامل ۳ مدل بوروکراتیک-دولت‌گرا، بوروکراتیک-الیگارشیک و دانش‌کده‌ای و دسته دوم: مبتنی بر نظام عقیدتی خدماتی شامل ۳ مدل شرکتی-دولت‌گرا، مدیریت‌گرایی نوین و بازاری [۷۴].

۴- مدل تعادلی شیمینک (۲۰۰۵): پنج عامل موجود در حکمرانی علم و دانشگاهی را برشمرده و تعادل بین آنها را پیشنهاد داده. این عوامل عبارتند از: حمایت مالی و تنظیم‌گری توسط دولت، هدایت بیرونی-خواه از طریق دولت یا اقتدارهای تفویض شده، رقابت نهادهای دانشگاهی، مدیریت سلسله‌مراتبی و

عملکرد خوب، کاهش حوادث نامطلوب و اطمینان از آموختن درس است. این چارچوب که مقررات اتحادیه اروپا را منعکس می‌کند مسئولیت‌های افراد و سازمان‌های درگیر در تحقیق، از جمله سرمایه‌گذاران، پژوهشگران، سازمان‌های استخدام‌کننده پژوهشگران و سازمان‌های مراقبت از سلامت را تعیین می‌کند. جدا از علم تحقیق، کسب تاییدیه برای یک مطالعه پژوهشی نهادهای نظارتی و تصویبی مختلف، وظایف و دستور کارهای متفاوتی دارد. به این سؤال که «آیا مطالعه من نیاز به تأیید یک نهاد خاص دارد؟» باید با اشاره به آنچه آن سازمان در حیطه وظایف خود در نظر می‌گیرد، پاسخ داده شود، نه در رابطه با آنچه که خود پژوهشگران آن را موضوعات کلیدی اخلاقی و علمی می‌دانند. تعاریف مختلف پژوهشی که توسط نهادهای مختلف استفاده می‌شود، منعکس‌کننده برنامه‌ها و اولویت‌های خاص آنهاست (مثلاً محض در مقابل کاربردی، زیست‌پزشکی در مقابل روانی اجتماعی، مرطوب در مقابل خشک) و گاهی اوقات با عبارات مخالف بیان می‌شوند؛ یعنی توصیف می‌کنند که چه قسمتی از تحقیق برای اهداف آنها نیست. استقرار سیستم‌های حکمرانی پژوهشی از نیاز به پاسخگویی با پژوهش‌هایی که بودجه عمومی فزاینده‌ای نیاز دارد، مشارکت جمعیت‌های آسیب‌پذیر و افشای تقلب‌ها ناشی می‌شود. تنها زمان نشان خواهد داد که آیا رویه‌های حکمرانی پژوهشی به اهداف مورد نظر، یعنی افزایش استانداردها، محافظت از شرکت‌کنندگان در پژوهش‌ها و تضمین کیفیت، دست می‌یابند یا خیر و اینکه آیا ارزش دارد که محدودیت‌های اجتناب‌ناپذیری برای آزادی پژوهش ایجاد کرد [۶۹].

چارچوب حکمرانی پژوهشی در سال ۲۰۰۱ برای تشریح اصول حاکمیتی که برای همه پژوهش‌های مراقبت از سلامت باید اعمال می‌شود، صادر شد. حکمرانی پژوهشی یک استاندارد کلیدی برای سازمان‌های مراقبت از سلامت است و شامل نظر کمیته اخلاق تحقیق، قانون حفاظت از داده‌ها، قانون ظرفیت ذهنی، قانون بافت‌های انسانی، مقررات تشعشعات یونیزان و مقررات داروها برای استفاده انسانی است. هدف اصلی حفاظت از کرامت، حقوق، ایمنی و رفاه شرکت‌کنندگان و همچنین حفاظت از محققان با ارائه چارچوبی برای کار است [۷۰].

در ادامه به معرفی برخی از مدل‌های مرتبط با حکمرانی پژوهش پرداخته می‌شود:

خودحکمرانی دانشگاهی [۷].

**۵- گونه‌شناسی کاپانو (۲۰۱۱):** در این چارچوب، از تقاطع دو محور «مشخصات دولتی ویژگی‌های مورد استفاده» و «مشخصات دولتی اهدافی که باید به آن دست یافت» ۴ حالت به‌دست آمده است: ربع اول) حالت خودگردانی (ابزار سیاستی: هماهنگی بخشی «بازار محور» و مبتنی بر نهادینه‌سازی روابط بین شرکت‌کنندگان. دولت نوعی ذی‌نفع «پنهان» بوده و درگیر در بازی‌های همپایی، متقاعدسازی و مذاکره است. با این حال می‌تواند مداخله کند تا شیوه حکومتداری را به سمت دیگر ربع‌ها تغییر دهد. ربع دوم) هدایت از راه دور (ابزارهای سیاستی: مشوق‌های مالی برای پیگیری خروجی‌ها و نتایج خاص در آموزش و پژوهش، رقابت تنظیم‌شده، ارزشیابی پس از انجام توسط سازمان‌های دولتی، قراردادهای معیارسنجی، مقررات قانونی برای استقلال نهادی بیشتر، محدودیت‌های ساختاری برای تمایز نهادی). ربع سوم) حالت رویه‌ای (ابزار سیاستی: مقررات ملی تفصیلی رویه‌های استخدام کارکنان دانشگاهی و غیردانشگاهی، دسترسی دانشجویان، طراحی برنامه‌های درسی، ردیف بودجه‌ای، مقررات سختگیرانه برای عملکرد مدیریت داخلی و ارزشیابی قبلی). ربع چهارم) حالت سلسله‌مراتبی (ابزار سیاستی: تأمین مالی کاملاً اختصاصی، بند عددی برای دسترسی دانشجویان، محتوای قابل توجه مدارک تحصیلی در سطح ملی، مقررات اساسی مستقیم درمورد خروجی و نتیجه‌ای که هم در تدریس و هم در تحقیق دنبال می‌شود). حالت‌های خودگردانی و هدایت از راه دور، دو مدل را مشخص می‌کنند که دولت به طور غیرمستقیم در آنها تأثیرگذار است. در حالت خودمختاری، نهادهای دانشگاهی آزاد هستند تا در صورت احتراز دولت از دخالت مستقیم، هم آنچه را که می‌خواهند انجام دهند و هم چگونه آن را انجام دهند. در حالت «راهبری از دور»، دولت متعهد به دستیابی به اهداف جمعی معین است. با این حال، برای نهادها اختیاری قائل می‌شود تا ابزارهای مورد نیاز برای دستیابی به این اهداف را تعیین کنند. دولت تلاش می‌کند تا از طریق طیف وسیعی از ابزارهای غیرمستقیم مانند مقررات نرم، ارزیابی عملکرد و مشوق‌های مالی بر رفتار سازمانی دانشگاه‌ها تأثیر بگذارد تا فعالیت‌های آنها را برای دستیابی به اهداف دولتی تشویق کند [۷۲، ۷۵، ۷۶].

**۶- چارچوب تحلیلی دابینز و نیل (۲۰۱۴):** مدل تحلیلی است که می‌توان آن را برای تحلیل مقایسه‌ای مدل‌های حکمرانی آموزش عالی به کار برد و مجموعه خاصی از شاخص‌های تجربی را برای پذیرش پیچیدگی و تنوع مسائل حاکمیتی در آموزش عالی مطرح می‌کند. مبنای کار آنها مدل اصلی کلارک و با توجه به آن و سایر مدل‌های پیشین، سه مدل کلی را ارائه می‌کنند: «مدل بازارمحور»، «مدل دولت‌محور» و «مدل خودکفایی دانشگاهی». همچنین موارد زیر را در نظر گرفتند: الگوهای کنترل، هماهنگی و تخصیص استقلال بین دولت، حرفه دانشگاهی و مدیریت دانشگاه، سه متغیر: ۱) ساختار سازمانی دانشگاه‌ها از جمله مسائل مربوط به پرسنل و بودجه، ۲) رویکرد نظارتی دولت و ۳) روابط بین دانشگاه‌ها، ذی‌نفعان خارجی و جامعه. تخصیص استقلال در یک سیستم آموزش عالی و بین بازیگران مختلف برای تدوین شاخص‌های خاص اندازه‌گیری حکمرانی (دامنه استقلال رویه‌ای را تا آنچه که «ترتیبات عمومی» می‌نامند، گسترش می‌دهند؛ مانند روابط دولت-دانشگاه-جامعه، ساختارهای تصمیم‌گیری، کنترل کیفیت و رویکرد مدیریت)، دو بعد فرعی مهم به عنوان استقلال پرسنل (منظور اختیار مؤسسات آموزش عالی به منظور تعیین آزادانه شرایط برای کارکنان و همچنین وضعیت و نقش رؤسای یا مدیران است) و «حکمرانی مالی» (صرفاً به تهیه، تخصیص و مدیریت منابع مالی اشاره دارد). در نهایت، «استقلال پایه» به ظرفیت دانشگاه‌ها برای تعیین اهداف و برنامه‌های خود بدون دخالت دولت می‌پردازد [۷۴].

**۷- مدل قدرت و نفوذ (۲۰۱۷):** در این مدل، ۴ سبک اعمال نفوذ تحت عنوان اجبار، تفسیر، تشویق و پیشنهاد بازتفسیر باتوجه به دو حالت تعاملی یا به واسطه ساختار تبیین شده که ۸ حالت (دستور، تخصیص جایزه، انتقال اطلاعات خاص، قواعد تجویزی، رویه‌های نهادینه شده تخصیص، رویه‌های نهادینه شده جایزه، نظام‌های عقیده نهادینه شده) را در ماتریس مربوط ایجاد کرده است. از دو واژه قدرت و نفوذ در این مدل استفاده شده که نفوذ قدری جامع بوده و واژه قدرت فقط به نفوذ از طریق اجبار خلاصه می‌شود [۷۷].

**۸- مدل آرگی پابولت و همکاران (۲۰۱۸):** ابعاد حکمرانی را به دو دسته خارجی و داخلی تقسیم کردند که ابعاد داخلی به مواردی مانند دستیابی به مأموریت، منابع انسانی، توزیع مالی و...

است. این چارچوب حول سه گروه کارکرد (حکمرانی، مدیریت، کارکردهای عرضی) سازمان‌دهی شده است. حکمرانی در خارج از شکل قرار داده شده که نشان‌دهنده کارکرد گسترده (یا دانش چرایی) است، کارکرد مدیریت (یا دانش چيستی) در داخل دایره است و در چارچوب استانداردهای تعیین شده توسط حکمرانی اجرا می‌شود و برخی از کارکردها فراگیر عرضی هستند. در هر دو سطح حکمرانی و مدیریت (یا دانش فنی) وجود دارد و برخی از کارکردهای فراگیر در هر دو سطح حکمرانی و مدیریت (یا دانش فنی) وجود دارند. کارکردهای حکمرانی، فعالیت‌های راهبری را نشان می‌دهد که بازیگران و نهادها باید برای اطمینان از تناسب بین سیستم تحقیقات سلامت و محیط خارجی انجام دهند [۷۸].

### اصل استقلال پژوهشگران در حکمرانی پژوهش

موضوع ضرورت خودشناسایی پژوهشگر برای اهداف و وظایف پژوهشی، گاهی در قالب مفاهیم دیگری همچون استقلال پژوهشگر یا آزادی آکادمیک نیز در کانون توجه قرار گرفته است. برای مثال برداهل (۱۹۹۰) معتقد است در عین اینکه دانشمندان باید به طور شخصی آزادی آکادمیک داشته باشند (به معنای آزادی در آموزش و پژوهش برای جستجوی حقیقت و بدون ترس از تنبیه یا فسخ قرارداد، به دلیل تخطی از برخی عقاید متعارف سیاسی، مذهبی و اجتماعی)، سطحی دیگر از همین استقلال و آزادی آکادمیک در سطح مؤسسات علمی و پژوهشی قابل طرح است. یعنی مؤسسات علمی باید استقلال و آزادی داشته باشند و البته این آزادی آکادمیک در سطح بالاتر، یعنی سطح جامعه علمی تخصصی یک حوزه و در نهایت در سطح کلان یعنی «کلیت نهاد علم و پژوهش» نیز جاری است. در همه این سطوح به دلیل تخصص و تبحر بالای سطح خردتر، اعم از پژوهشگر، مؤسسه، جامعه علمی و در نهایت نهاد علم، در مقابل حکومت، بخش خصوصی و یا جامعه بیرونی به طور کلی لازم است استقلال و آزادی آکادمیک آنها به رسمیت شناخته شود، در غیر این صورت پژوهش واقعی و مطلوبی شکل نخواهد گرفت. البته این چالش بین استقلال دانشمندان و پاسخگو بودن پژوهش‌ها و تلاش برای رسیدن به نقطه تعادل دو بعد استقلال/ پاسخگویی از همان ابتدای ورود جدی دولت‌ها به راهبری پژوهش (جنگ جهانی اول

می‌پردازد و در ابعاد خارجی موضوع استراتژی‌ها و مشارکت‌های منطقه ای درج شده و برای هر یک سنجه‌های مورد اندازه‌گیری پیشنهاد شده است [۴۹].

**۹- چارچوب یکپارچه حکمرانی پژوهش‌های سلامت و مدیریت مؤسسات تأمین مالی اسمیت و چامپین اسمیت و چامپین (۲۰۲۰):** این چارچوب می‌تواند برای تمام تحقیقات تحت مسئولیت مؤسسات مالی، اعم از خدمات مراقبت از سلامت، سلامت عمومی، تحقیقات زیست پزشکی یا بالینی اعمال شود. آنها در مقاله خود مطرح می‌کنند که مؤسسات تأمین مالی پژوهش‌های سلامت با گستره ملی شامل سیاست‌گذاری و دولت، نهادهای مشورتی، سازمان‌های تأمین مالی پژوهش، سازمان‌های واسط و مؤسسات پژوهشی، اعم از نهادها، وزارتخانه‌ها یا مؤسسات است و تأکید می‌کنند چارچوب‌های کمی درمورد سیستم‌های پژوهش سلامت در دسترس است، اما دو ویژگی را می‌توان متمایز کرد؛ عملکردهای حکمرانی و/یا مدیریت. اگرچه ممکن است «حکمرانی» و «مدیریت» پژوهش به عنوان مترادف هم درک و استفاده شود اما عملکردهای حکمرانی را از عملکردهای مدیریت بر اساس مفاهیم محیط‌های داخلی و خارجی متمایز کرده‌اند. با پیروی از گونه‌شناسی میچل و شورتل از کارکردهای حکمرانی و مدیریت، حکمرانی را عمدتاً مربوط به موقعیت‌یابی پژوهش سلامت نسبت به محیط خارجی که در آن فعالیت می‌کند، در نظر گرفته‌اند، در حالی که مدیریت اساساً به وظایف روزانه و اجرا می‌پردازد. یا به عبارت دیگر می‌توان گفت حکمرانی به کارکردهای گسترده یا «دانش در باره چرایی/میزان آگاهی از اصول و قوانین»، چشم‌انداز و روابط با محیط خارجی، مدیریت به «دانش فنی/مهارت‌ها و قابلیت‌های مورد نیاز برای انجام کارها» و وظایف روزانه عملیاتی که در محیط مؤسسه انجام می‌شود و کارکردهای عرضی به «دانش فنی» اشاره دارد. این کارکردهای عرضی، در واقع اصولی هستند که برای کارکردهای حکمرانی و مدیریت اعمال می‌شوند. به عقیده نویسندگان مقاله، مؤسسات تأمین مالی پژوهش به ندرت در ادبیات موضوع، به عنوان بازیگران اصلی در حکمرانی پژوهش‌های سلامت مطرح می‌شوند. درواقع، پژوهش درمورد مؤسسات تأمین مالی مورد توجه گسترده قرار نگرفته، اما با ابتکار سازمان جهانی سلامت برای پژوهش‌های حوزه سیاست‌گذاری و سیستم‌های سلامت و بازتاب‌ها درمورد ترجمان دانش، به آرامی در حال رشد

بررسی شده و رابطه نظام‌مند این دو طرف ارائه شود. برای رسیدن به این مهم، ادبیات اصلی موجود در دو طرف حکمرانی پژوهش، یعنی طرف کلان یا همان خط مشی علم و طرف خرد یا همان جامعه‌شناسی علم، مورد بررسی انتقادی قرار می‌گیرد و در نهایت براساس گستره ادبیات مطرح شده، ماهیت و ابزارهای حکمرانی پژوهش که در بر دارنده همه سطوح خرد و کلان است، بیان خواهد شد [۷].

### نتیجه‌گیری

آنچه در همه انواع حکمرانی، مشترک است مداخله، به نحو کنش یا واکنش عدم کنش عامدانه (یک قوه حاکمه در امور مختلف اعم از امر اجتماعی، امر فرهنگی، امر سیاسی، امر پژوهشی و...) است. حال این مداخله می‌تواند به اشکال و سازوکارهای مختلف مثل سلسله‌مراتب، بازار و شبکه انجام شود. یکی مداخله حداکثری بر روابط میان کنشگران مرتبط به یک موضوع را با سازوکار «دستور - کنترل» تجویز می‌کند و دیگری نفی مطلق کنترل از بالا و سپردن همه امور به سازوکار بازار را توصیه می‌کند و سومی هم ناقض رابطه فرادست و فرودست و همین‌طور رابطه مطلق عرضه‌کننده و تقاضاکننده است و به رابطه شبکه‌ای و هم‌عرض کنشگران حکم می‌کند. اما همه این نسخ با تعریفی که از انسان می‌کنند پیچیده می‌شود؛ نگاه قیّم‌آبانه به انسان، رهاورد سلسله‌مراتبی دارد. بازار، محل تلاقی انسان‌های برخوردار از «عقلانیت کامل»، «خویش‌انداری کامل» و «منفعت‌طلبی کامل» یا همان «انسان اقتصادی» است. اما انتخاب انسان عادی که مرتکب کج‌رفتاری‌هایی چون وسوسه شدن در انتخاب، میانبر زدن در انتخاب، سوگیری در انتخاب، آسیب‌رسانی به خود با انتخاب و... است باید معماری شود و به نوعی قاعده «پدرسالاری طرفدار اراده آزاد» را درباره‌اش اجرا کرد [۸۱]. مشاهده می‌شود جهت‌دهی به علم و پژوهش، نه‌تنها در مقام نظری (با توجه به پیشرفت پارادایم‌های معرفتی یا از طریق دخالت عوامل غیرمعرفتی) پذیرفته شده، بلکه در مقام عمل (تاریخ دخالت دولت‌ها برای جهت‌دهی به علم و پژوهش) نیز تأیید شده و بهترین دلیل برای امکان داشتن چیزی، وقوع آن در عالم خارج است. این امر در ایران هم جریان دارد و نمونه‌های بسیار واضح آن نقشه جامع علمی کشور، آیین‌نامه ارتقای علمی و صندوق

و دوم) مدنظر بوده؛ به طوری که استیورات (۱۹۴۸) می‌گوید: «قلب مسئله قرارداد پژوهشی این است که بین نیاز دانشمند برای آزادی کامل و این تضمین که منابع مالی حکومت به شکل ناصحیحی خرج نمی‌شود، مصالحه و تراضی ایجاد کند.» بنابراین، باید سازوکارهای حکمرانی یا همان سازوکارهای پاسخگو کردن پژوهش‌ها به گونه‌ای باشد که به این اصل حیاتی پژوهش (استقلال) صدمه نزند و این امر مستلزم مدنظر قراردادن سطح خرد (پژوهشگران شخصی) حکمرانی پژوهش در کنار سطح کلان آن (ابزارهای نفوذ و راهبری) و ارتباط نظام‌مند این سطوح است. بی‌توجهی به سطح خرد یا سطح کلان در حکمرانی پژوهش، مانع کارآیی دقیق ابزارهای حکمرانی خواهد شد. از این رو لازم است که چارچوب مفهومی حکمرانی پژوهش شامل عناصری از همه سطوح یک نظام پژوهش باشد. البته این اصل را می‌توان از نظریه سلطه ویر نیز استنباط کرد زیرا طبق آن نظریه در هر نظامی وجود دو طرف لازم است، یعنی حاکم و محکوم. از نظر آرگو پابلت و همکارانش، جذب و حفظ دانشمندان با استعداد عامل اصلی موفقیت پژوهش است. بنابراین شفافیت در پیشرفت شغلی، همراه با مشوق‌های انگیزشی، به کارکنان اجازه می‌دهد تا آینده شغلی خود را پیش بینی و برنامه‌ریزی کنند [۴۹]. بنا به نظر برداهل به غیر از استقلال پژوهشگران، موضوع پاسخگویی مؤسسات علمی و تحقیقات به مسائل و مشکلات جامعه هم حائز اهمیت است و ضرورت دارد این دو موضوع را در تعادل با یکدیگر تنظیم کنند. استقلال زیاد می‌تواند موجب پاسخگو نبودن دانشگاه و مؤسسات علمی به جامعه شود و از سوی دیگر پاسخگویی زیاد به جامعه هم ماهیت اصلی مؤسسات علمی، یعنی استقلال آنها، را از بین خواهد برد [۷۹]. مک دانیل اعتقاد دارد استقلال فقط برای پژوهشگران نیست و مؤسسات علمی نیز نیاز به استقلال سازمانی دارند. او استقلال را به دو دسته ذاتی و رویه‌ای تقسیم کرده است. استقلال ذاتی همان حق تصمیم‌گیری درباره اهداف است که از آن به عنوان فعالیت‌ها و امور دانشگاهی یاد می‌کند و استقلال رویه‌ای در ارتباط با تخصیص ابزار، سازمان‌دهی، توزیع منابع است که همان مدیریت موسسه ای یا نهادی گفته می‌شود [۸۰]. جوادی اعتقاد دارد برای ارائه یک چارچوب دقیق حکمرانی پژوهش باید ویژگی‌ها، اصول، ابزارها و کنش و واکنش‌ها در هر دو طرف

- 10.5694/j.1326-5377.2005.tb06788.x.
6. Kulakowski EC, Chronister LU. Research administration and management. Jones & Bartlett Publishers; 2006.
7. Javadi M, Emami SM. Governance of Research: Nature, Scope and Tools. Journal of Public Administration. 2021;13(2):233-76. [Persian]
8. Ahangar EG. An overview of the concept of network governance. Tehran: Majlis Research Center Press, Office of Basic Government Studies; 2016. [Persian]
9. Salimi J, Maknoon R. Qualitative meta-analysis of scientific researches concerning the issue of governance in Iran. Journal of Public Administration. 2018;10(1):1-30. [Persian]
10. Lyall C, Tait J. Shifting policy debates and the implications for governance. In: New modes of governance, Routledge. 2017. pp. 3-17. doi: 10.4324/9781315248042-1.
11. Jessop B. Governance and meta-governance in the face of complexity: On the roles of requisite variety, reflexive observation, and romantic irony in participatory governance. Wiesbaden: VS Verlag für Sozialwissenschaften. In: Participatory governance in multi-level context: Concepts and experience 2002. pp. 33-58. doi: 10.1007/978-3-663-11005-7\_2.
12. Kettl DF. The transformation of governance: Globalization, devolution, and the role of government. Public Adm Rev. 2000;60(6):488-97. doi: 10.1111/0033-3352.00112.
13. Mohammadi H, Korang Beheshti S, Davazdah-Emami H. Identification and Prioritization of Factors Affecting the Cultural Model of Good Governance in Bodies Overseeing Government Performance Using Fuzzy ANP Method. International Journal of Innovation Management and Organizational Behavior. 2024;4(2):38-45. doi: 10.61838/kman.ijimob.4.2.5.
14. Runehov AL, Oviedo L, Azari NP, editors. Encyclopedia of sciences and religions. Springer Netherlands; 2013. doi: 10.1007/978-1-4020-8265-8.
15. Fama EF, Jensen MC. Separation of ownership and control. J Law Econ. 1983;26(2):301-25. doi: 10.1086/467037.
16. Provan KG. Board power and organizational effectiveness among human service agencies. Acad Manage J. 1980;23(2):221-36. doi: 10.2307/255428.
17. Panahy I, Araei V, Jamshidi M. Validation of good governance model from an economic perspective. Iranian Pattern of Progress. 2022;10(2):213-39. [Persian]
18. Bovaird T, Loeffler E. Public management and governance: The future?. In: Public Management and Governance. Routledge; 2015. pp. 395-409. doi: 10.4324/9781315693279.
19. Sardarnia K. The effect of social capital on good

حمایت از پژوهشگران است که سعی دارند با انواع سازوکارها، پژوهش‌ها را به سمت‌وسوی خاصی سوق دهند که البته شیوه عملکرد و میزان موفقیت آنها نیازمند بررسی است. بنابراین فعل عالمان و پژوهشگران مانند افعال سایر انسان‌ها می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد و الگوهای تجویزی برای جهت‌دهی به این افعال که همان پژوهش است، طراحی شود [۷]. گاهی حضور ارزش‌های اجتماعی و تصمیم‌های شخصی پژوهشگر یا به بیانی دیگر عوامل غیرمعرفتی، در فرآیند پژوهش به قدری پررنگ است که عده‌ای را در ورطه ساختگرایی اجتماعی علم و پژوهش وارد می‌کند، به طوری که وجهه عینی و کشف واقعی علم را کاملاً نفی کرده و ساخت آن را حاصل عوامل مختلف غیرمعرفتی تلقی می‌کنند. طبق نظر آنان، علم و پژوهش بر اساس غایات خاص اجتماعی و با جهات مشخصی ساخته می‌شوند و اشاعه می‌یابند و صحبت از عینیت و حقیقت در علم معنایی ندارد [۸۲].

ظهور مفهوم «حکمرانی» نشان‌دهنده رشد شیوه‌های غیرسلسله‌مراتبی هماهنگی سیاسی و تغییرات همراه با آن در رویکردهای علوم اجتماعی است.

**تأییدیه اخلاقی:** مطالعه حاضر با کد IR.AMS.REC.1402.029 مورد تأیید فرهنگستان علوم پزشکی ایران قرار گرفت.

**تعارض منافع:** نویسندگان اعلام می‌دارند در موضوع مورد بررسی تعارض منافع ندارند.

**سهم نویسندگان:** جهان آرا می‌خانی: گردآوری و دسته‌بندی اطلاعات و آماده‌سازی مقاله به میزان ۶۰ درصد؛ حسن حق پرست بیدگلی: بازخوانی مقاله به میزان ۲۰ درصد. عباس متولیان: ویرایش نهایی به میزان ۲۰ درصد.

**منابع مالی:** مطالعه حاضر با حمایت مالی فرهنگستان علوم پزشکی ایران انجام شده است.

## References

1. Godin B. Defining R&D: Is research always systematic? Project on the History and Sociology of S&T Statistics. 2001;7:1-20. Available from: [http://www.csiic.ca/PDF/Godin\\_7.pdf](http://www.csiic.ca/PDF/Godin_7.pdf)
2. Manual OF. Guidelines for collecting and reporting data on research and experimental development, the measurement of scientific, technological and innovation activities. Paris: OCDE. 2015.
3. World Health Organization. The WHO strategy on research for health. World Health Organization; 2012.
4. Glasziou P, Chalmers I. Research waste is still a scandal—an essay by Paul Glasziou and Iain Chalmers. BMJ. 2018;363:k4645. doi: 10.1136/bmj.k4645.
5. Walsh MK, McNeil JJ, Breen KJ. Improving the governance of health research. Med J Aust. 2005;182(9):468-71. doi:

- governance. Political and Economic Information Monthly. 2011;260:145-32. [Persian]
20. Scott V, Schaay N, Olckers P, Nqana N, Lehmann U, Gilson L. Exploring the nature of governance at the level of implementation for health system strengthening: the DIALHS experience. Health Policy Plan. 2014;29(suppl\_2):ii59-70. doi: [10.1093/heapol/czu073](https://doi.org/10.1093/heapol/czu073).
21. Rieseneder FB. Good governance: Characteristics, methods and the Australian examples. Transylv Rev Adm Sci. 2008;4:26-52.
22. Thompson N. Inter-institutional relations in the governance of England's national parks: A governmentality perspective. J Rural Stud. 2005;21(3):323-34. doi: [10.1016/j.jrurstud.2005.04.001](https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2005.04.001).
23. Bell S. Rethinking governance: The centrality of the state in modern society. Cambridge University Press; 2009. doi: [10.1017/CBO9780511814617](https://doi.org/10.1017/CBO9780511814617).
24. Pečarič M. A heterarchic model of good governance: a unifying hub for adaptability, differences, similarities, democracy and accountability. Croatian and Comparative Public Administration. 2015;15(4):909-34.
25. Koffijberg J, de Bruijn H, Priemus H. Combining hierarchical and network strategies: successful changes in Dutch social housing. Public Admin. 2012;90(1):262-75. doi: [10.1111/j.1467-9299.2011.01974.x](https://doi.org/10.1111/j.1467-9299.2011.01974.x).
26. Zwitter A. Cybernetic governance: implications of technology convergence on governance convergence. Ethics Inf Technol. 2024;26(2):24. doi: [10.1007/s10676-024-09763-9](https://doi.org/10.1007/s10676-024-09763-9).
27. Klijn EH. New public management and governance: a comparison of two paradigms to deal with modern complex problems in D. Levi Faur (ed) The handbook of governance. Oxford: Oxford University Press; 2012.
28. Klijn EH. Governance and governance networks in Europe: An assessment of ten years of research on the theme. Public Manag Rev. 2008;10(4):505-25. doi: [10.1080/14719030802263954](https://doi.org/10.1080/14719030802263954).
29. Agranoff R, McGuire M. Big questions in public network management research. J Public Adm Res Theory. 2001;11(3):295-326. doi: [10.1093/oxfordjournals.jpart.a003504](https://doi.org/10.1093/oxfordjournals.jpart.a003504).
30. Derrick D, Ligon G, Lundmark L, Pleggenkuhle-Miles E, Elson JS. Collaborative Distance: Multi-level Analysis Framework for Recommending Structure and Safeguards. 2017. doi: [10.24251/HICSS.2017.082](https://doi.org/10.24251/HICSS.2017.082).
31. Wood RG, Garside B. Informality and market governance in wood and charcoal value chains. London: International Institute for Environment and Development (IIED). 2014.
32. Kooiman J. Modern governance: new government-society interactions. Sage; 1993.
33. Jessop B. Capitalism and its future: remarks on regulation, government and governance. Rev Int Polit Econ. 1997;4(3):561-81. doi: [10.1080/096922997347751](https://doi.org/10.1080/096922997347751).
34. Gjaltema J, Biesbroek R, Termeer K. From government to governance... to meta-governance: a systematic literature review. Public Manag Rev. 2020;22(12):1760-80. doi: [10.1080/14719037.2019.1648697](https://doi.org/10.1080/14719037.2019.1648697).
35. Newman J, Barnes M, Sullivan H, Knops A. Public participation and collaborative governance. J Soc Policy. 2004;33(2):203-23. doi: [10.1017/S0047279403007499](https://doi.org/10.1017/S0047279403007499).
36. Bradley Q. A 'Performative' social movement: The emergence of collective contentions within collaborative governance. Space Polity. 2012;16(2):215-32. doi: [10.1080/13562576.2012.721504](https://doi.org/10.1080/13562576.2012.721504).
37. Gash A. Collaborative governance. In Handbook on theories of governance. Edward Elgar Publishing. 2022. pp. 497-509. doi: [10.4337/9781800371972.00053](https://doi.org/10.4337/9781800371972.00053).
38. Fischer F. Participatory governance and collaborative expertise. In Handbook on Participatory Governance. Edward Elgar Publishing. 2018. pp. 143-156. doi: [10.4337/9781785364358.00013](https://doi.org/10.4337/9781785364358.00013).
39. Krogh AH, Triantafyllou P. Developing New Public Governance as a public management reform model. Public Manag Rev. 2024;26(10):3040-56. doi: [10.1080/14719037.2024.2313539](https://doi.org/10.1080/14719037.2024.2313539).
40. Eells R. The meaning of modern business: an introduction to the philosophy of large corporate enterprise. Columbia University Press; 1960. doi: [10.7312/cell93784](https://doi.org/10.7312/cell93784).
41. Rhodes RA. Understanding governance: Policy networks, governance, reflexivity and accountability; 1996.
42. Becht M, Bolton P, Röell A. Corporate governance and control. In Handbook of the Economics of Finance. Elsevier. 2003. Vol. 1, pp. 1-109. doi: [10.1016/S1574-0102\(03\)01005-7](https://doi.org/10.1016/S1574-0102(03)01005-7).
43. Becht M, Bolton P, Röell A. Corporate law and governance. Handbook of Law and Economics. 2007;2:829-943. doi: [10.1016/S1574-0730\(07\)02012-9](https://doi.org/10.1016/S1574-0730(07)02012-9).
44. Michalos A. Encyclopedia of Business and Professional Ethics. Springer International Publishing AG; 2018.
45. Ackerman J. Co-governance for accountability: beyond "exit" and "voice". World Dev. 2004;32(3):447-63. doi: [10.1016/j.worlddev.2003.06.015](https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2003.06.015).
46. Gaventa J. Triumph, deficit or contestation?: deepening the 'deepening democracy' debate. IDS Working Paper. 2006;264:1-32.
47. Osborne SP. The new public governance? Public Manag Rev. 2006;8(3):377-87. doi: [10.1080/14719030600853022](https://doi.org/10.1080/14719030600853022).
48. Indahsari CL, Raharja SU. New public management (NPM) as an effort in governance. Jurnal Manajemen Pelayanan Publik. 2020;3(2):73. doi: [10.24198/jmpp.v3i2.25342](https://doi.org/10.24198/jmpp.v3i2.25342).
49. Arregui-Pabollet E, Doussineau M, Dettenhofer M.

- An analytical framework to assess the governance of universities and their involvement in Smart specialization strategies. Publications Office of the European Union: Luxembourg. 2018.
50. Deghati A, Yaghoubi NM, Kamalian AR, Dehghani M. Designing an Establishment and Development Model of Good Electronic Governance Using Meta-Synthesis Approach. *Management Research in Iran*. 2021;24(2):1-34. [Persian]
  51. Peyghan V, Yaghobi N, Keikha A. Measuring and Validate Good Governance Model with Sustainable Development Approach (Case Study: Sistan and Baluchestan Province). *Journal of Iranian Public Administration Studies*. 2022;5(2):117-38. [Persian]
  52. Peters BG. Information and governing: Cybernetic models of Governance. In D. Levi-Faur (Ed.), *The Oxford Handbook of Governance*. Oxford University Press. 2012. pp. 113-28. doi: [10.1093/oxfordhb/9780199560530.013.0008](https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199560530.013.0008).
  53. Offe C. Governance: An "empty signifier"? *Constellations*. 2009;16(4):550. doi: [10.1111/j.1467-8675.2009.00570.x](https://doi.org/10.1111/j.1467-8675.2009.00570.x).
  54. Sale HA. Public governance. *Geo Wash L Rev*. 2013;81:1012.
  55. Williams B. Anarchism and Social Revolution: An Anarchist Politics of the Transitionary State. Springer Nature; 2023. doi: [10.1007/978-3-031-39462-1](https://doi.org/10.1007/978-3-031-39462-1).
  56. James N. Rosenau, "Toward an Ontology for Global Governance", in Martin Hewson and Thomas Sinclair, eds., *Approaches to Global Governance Theory*, SUNY Press, Albany, 1999
  57. Wang H, Rosenau JN. Transparency international and corruption as an issue of global governance. *Global Governance*. 2001;7(1):25-49. doi: [10.1163/19426720-00701005](https://doi.org/10.1163/19426720-00701005).
  58. Wang H, Rosenau JN. China and global governance. *Asian Perspect*. 2009;33(3):5-39. doi: [10.1353/apr.2009.0009](https://doi.org/10.1353/apr.2009.0009).
  59. Rosenau JN. Global governance as disaggregated complexity. In *Contending Perspectives on Global Governance*. 1st Edition. Routledge; 2005.
  60. Thakur R, Van Langenhove L. Enhancing global governance through regional integration. In *Regionalisation and global governance*. Routledge. 2007. pp. 33-58.
  61. Hewson M, Sinclair TJ, Sinclair T. editors. *Approaches to global governance theory*. Suny Press; 1999.
  62. Bradshaw P, Hayday B, Armstrong R, Levesque J, Rykert L. Non-profit governance models: Problems and prospects. *Innov J*. 2007;12(3):5.
  63. Keeton WT. Magnets interfere with pigeon homing. *Proc Natl Acad Sci*. 1971;68(1):102-6. doi: [10.1073/pnas.68.1.102](https://doi.org/10.1073/pnas.68.1.102).
  64. Griffiths A, Zammuto RF. Institutional governance systems and variations in national competitive advantage: An integrative framework. *Acad Manage Rev*. 2005;30(4):823-42. doi: [10.5465/amr.2005.18378880](https://doi.org/10.5465/amr.2005.18378880).
  65. Jones WA. Faculty involvement in institutional governance: A literature review. *Journal of the Professoriate*. 2012 Jun 1;6(1):117.
  66. Braithwaite J, Coglianese C, Levi-Faur D. Can regulation and governance make a difference?. *Regul Gov*. 2007;1:1-7. doi: [10.1111/j.1748-5991.2007.00006.x](https://doi.org/10.1111/j.1748-5991.2007.00006.x).
  67. Imperial College London. What is research governance?. 2023. [Accessed in November 18, 2023]. Available from: <https://www.imperial.ac.uk/research-and-innovation/research-office/research-governance-and-integrity/what-is-research-governance/>.
  68. Rhodes University. Available from: <https://www.ru.ac.za/researchgateway/researchstrategy/researchgovernance>.
  69. Shaw S, Boynton PM, Greenhalgh T. Research governance: where did it come from, what does it mean?. *J R Soc Med*. 2005;98(11):496-502. doi: [10.1177/014107680509801110](https://doi.org/10.1177/014107680509801110).
  70. Theodorou N. An Introduction to Research Governance. *Feature*. 2014;20(5):1-4. doi: [10.46692/9781447304951.002](https://doi.org/10.46692/9781447304951.002)
  71. Clark BR. The higher education system: Academic organization in cross-national perspective. University of California Press; 1986.
  72. Findikli B. Exploring higher education governance: Analytical models and heuristic frameworks. *Journal of Higher Education and Science*. 2017;7(2):392-402. doi: [10.5961/jhes.2017.216](https://doi.org/10.5961/jhes.2017.216).
  73. Curry DJ, Fischer NM. Public higher education and the state: Models for financing, budgeting, and accountability. In *annual meeting of the Association for the Study of Higher Education*; 1986.
  74. Amaral A, Jones GA, Karseth B. Governing higher education: Comparing national perspectives. In *Governing higher education: National perspectives on institutional governance*. Dordrecht: Springer Netherlands. 2002. pp. 279-98. doi: [10.1007/978-94-015-9946-7\\_14](https://doi.org/10.1007/978-94-015-9946-7_14).
  75. Capano G. Government continues to do its job: A comparative study of governance shifts in the higher education sector. *Public Adm*. 2011;89(4):1622-42. doi: [10.1111/j.1467-9299.2011.01936.x](https://doi.org/10.1111/j.1467-9299.2011.01936.x).
  76. Capano G, Howlett M, Ramesh M. Bringing governments back in: Governance and governing in comparative policy analysis. *J Comp Policy Anal*. 2015;17(4):311-21. doi: [10.1080/13876988.2015.1031977](https://doi.org/10.1080/13876988.2015.1031977).
  77. Gläser J, Guagnin D, Laudel G, Meister M, Schäufele F, Schubert C, et al. Comparing scripts and scripting comparisons: toward a systematic analysis of

- technologically mediated influence. 2017.
78. Smits P, Champagne F. Governance of health research funding institutions: an integrated conceptual framework and actionable functions of governance. *Health Syst Policy Res.* 2020;18:22. doi: [10.1186/s12961-020-0525-z](https://doi.org/10.1186/s12961-020-0525-z).
  79. Berdahl R. Academic freedom, autonomy and accountability in British universities. *Stud High Educ.* 1990;15(2):169-80. doi: [10.1080/03075079012331377491](https://doi.org/10.1080/03075079012331377491).
  80. McDaniel OC. The paradigms of governance in higher education systems. *High Educ Policy.* 1996;9(2):137-58. doi: [10.1016/S0952-8733\(96\)00005-0](https://doi.org/10.1016/S0952-8733(96)00005-0).
  81. Babaei Mojarad H. Research governance and some of its implications. *Research Institute of Islamic Culture and Thought*, 2021. [Persian] Available from: <https://iict.ac.ir/1400/12/hpzhozhsh/>.
  82. Latour B, Woolgar S. *Laboratory life: The construction of scientific facts.* Princeton university press; 2013. doi: [10.2307/j.ctt32bbxc](https://doi.org/10.2307/j.ctt32bbxc).